

## آشنائی با نظم بدیع جهانی

### شاپور راسخ

چنان که می‌دانید موضوع محوری کنفرانس امسال (۲۰۱۷) دو مبحث است که خصوصاً در سال‌های اخیر محلّ توجه خاصّ جامعه شناسان و علمای علم سیاست قرار گرفته، یعنی نظم جهانی و عدالت اجتماعی. بسیاری از محققان سال‌های بعد از ۲۰۰۱ را سال‌های گسیختگی نظم جهانی خوانده‌اند، یعنی دوران هرج و مرج در روابط بین دول و در عین حال دهه‌های اخیر را زمان افزایش انواع نابرابری‌ها، خصوصاً از نظر اقتصادی و شرائط زندگی که یکی از نشانه‌های بی‌عدالتی است، دانسته‌اند. لذا بی‌گمان هر دو مطلب شایسته گفتگو و تبادل نظر در چنین انجمنی است.

دیانت بهائی هم حاوی یک نظم جدید جهان شمول است و هم مدافع عدالت اجتماعی، به طوری که حضرت بهاءالله در بیانی فرموده‌اند:

«هیچ نوری به نور عدل معادله نمی‌نماید. آن است سبب نظم عالم و راحت امم.»

و هم از آن حضرت است که: «عالم به دو چیز محتاج: نظم و عدل.»<sup>۱</sup>

همین دو بیان گویای رابطه بین عدل و نظم عالم است. همان طور که عدل سبب نظم عالم است، نظم عالم هم اقتضای عدل را می‌کند و باز به فرموده حضرت بهاءالله:

«سراج عباد داد است... و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد.»<sup>۲</sup>

چون هدف عمده آئین بهائی اتحاد من علی الارض است لازمه آن داد یا عدل است.

در مورد عدل حضرت بهاءالله فرموده‌اند (لوح رضوان العدل) که دارای مراتب و مقامات و معانی لایحصری یعنی بیرون از شمار است و از جمله آن معانی است: عدم تبعیض و احتراز از ظلم، برابر دانستن همگان در برابر قانون، اعطای کلّ ذی حقّه که باز به فرموده آن حضرت، به دو امر معلق و منوط است که مجازات و مکافات باشد (لوح مقصود)، و نیز از مفاهیم عدل است رعایت اعتدال یعنی میانه روی در همه امور «هر امری که از اعتدال تجاوز نماید از طراز اثر محروم مشاهده شود مثلاً حریت و تمدن و امثال آن.»<sup>۳</sup> و هم چنین از مصادیق عدل توزیع عادلانه ثروت

است و رعایت انصاف و بی‌طرفی در قضاوت و معانی دیگری که وقت محدود ما اجازه بسط کلام در مورد آنها را نمی‌دهد.

اما بحث از نظم جهانی به طور عمده از این جهت است که حضرت بهاءالله هم انظمه موجود در عصر خود را انتقاد کرده و هم نظم نوین به عالم بشری پیشنهاد فرموده‌اند که اساس آن بر وحدت عالم انسانی و صلح عمومی و عدالت همگانی است.

نظم غیر از معنی عمومی آن که ترتیب و حُسن ترتیب باشد، در علوم سیاسی امروز به دو معنی به کار می‌رود، یکی سیستم اجتماعی و سیاسی به طور خاص مثل دموکراسی، اریستوکراسی و امثال آن و دیگری اصول و مقررات سازمانی که به روابط میان دول و ملل شکل می‌دهد. چنان که گفته می‌شود، سال‌های بعد از جنگ بین‌المللی دوم، سال‌های غلبه نظم دو قطبی بود، یعنی نظم بر پایه تعارض میان نظام‌های سوسیالیستی و لیبرال و با سقوط اتحاد جماهیر شوروی در سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۱ نظم لیبرال بود که به رهبری ایالات متحده آمریکا بر دنیا تسلط یافت و حتی رئیس‌جمهور وقت آمریکا اعلام کرد که دنیا وارد یک نظم نوین جهانی شده است و امروزه، گرچه بعد از واقعه تخریب دو مرکز جهانی تجارت در نیویورک (۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱) سخن از تحقق نظم نوین جهان شمول گفتن بی‌منطق است، اما هستند علمائی چون فرانسیس فوکویاما (Francis Fukuyama) که معتقدند، آمریکا شکل نهائی نظم را که بر لیبرالیسم سیاسی و آزادی خواهی اقتصادی مبتنی است تحقق بخشیده است و این گونه نظم سرنوشت محتوم همه انظمه جهان است.

اکنون پس از این مقدمه کوتاه به بحث اصلی خود که نظم بدیع جهانی است می‌پردازم که چون موضوعی است وسیع و بررسی آن مقتضی دقت و تمعن خاص است، اجازه می‌خواهم که طرح کلی آن را هم از ابتداء به نظرتان برسانم.

این گفتار شامل شش مبحث است:

اول - تعریف نظم و نظم نوین از دیدگاه بهائی

دوم - تازگی این بحث در امر مبارک و بی‌سابقه بودن آن در ادیان گذشته

سوم - تعریف نظم بین‌المللی و نظم نوین از نظرگاه علمای سیاست

چهارم - نقد امر بهائی از انظمه موجود عالم

پنجم - نویدهای فرح بخش امر مبارک درباره نظم آینده جهان

ششم - اثبات آن که تحقق نظم مورد نظر بهائیان امری حتمی و قطعی است

در مقدمه این گفتار باید عرض کنم که مطالعه روابط بین‌المللی یکی از شاخه‌های علوم سیاسی است که پس از پایان جنگ اول جهانی به صورت دانشگاهی و علمی مطرح شد و حتی اول کرسی آن به نام وودرو ویلسون (Woodrow Wilson) رئیس جمهور امریکا بود که اندیشه تشکیل مجمع اتّفاق ملل را مدیون او هستیم. این علم در ابتداء عنوان حقوق بین‌المللی داشت و یکی از مباحث آن نظم بین‌المللی یا نظم جهانی بود به معنای مجموع اصول و مقررات سازمانی که به روابط میان دول و ملل شکل می‌دهد و هر چند توجه آن در عرصه نظم بین‌المللی، بیشتر به جنبه‌ها و جهات سیاسی است، اما این نظم شامل ابعاد دیگری هم هست چون ابعاد اقتصادی، قضائی، فرهنگی، اطلاعاتی و نظیر آن.

می‌دانید که تولّد حضرت بهاءالله در طهران در سال ۱۸۱۷ میلادی روی داد، یعنی دو سال بعد از شکست نظم امپراطوری ناپلئون اول که می‌خواست در قسمتی از عالم یعنی اروپا، خاورمیانه و افریقا برقرار کند. پس از آن بود که نظم‌های ملی در قرن نوزدهم قوت گرفت و با توسعه استعمار اروپائی، امپراطوری‌های وسیع و قدرتمندی چون انگلستان و فرانسه بوجود آمد و در سال‌های سی قرن بیستم، دنیا شاهد سر بر آوردن نظم‌های فاشیستی و ناسیونالیستی در قاره اروپا شد که بعضاً پس از سال ۱۹۴۵ سقوط کردند یا ضعیف شدند. و بعد از جنگ جهانی دوم که ایالات متّحده امریکا به اوج قدرت رسید با اتّحاد جماهیر شوروی - یعنی روسیه و اتباعش - یک نظام دو قطبی بوجود آوردند، چنان که مذکور افتاد و سرانجام با انحطاط و سقوط شوروی مدّتی امریکا ابر قدرت بلامنازع بود تا مجدداً با تروریسم اسلامی که در سال ۲۰۰۱ واقع شد، سیستم تعدّد و تکثیر قدرت‌ها یا (Multilateralism) روی کار آمد و نوعی گسیختگی نظم سابق به وقوع پیوست. آنچه شگفت‌آور است این است که حضرت بهاءالله در کتاب اقدس، یعنی مهم‌ترین اثر خود، در سال ۱۸۷۳ بهم ریختگی انظمه موجوده عالم را پیش‌بینی فرمودند و خود در آثار متعدّد، یک نظم بدیع جهانی پیشنهاد کردند که خطوط عمده آن را در سوره الملوک و الواح سلاطین می‌توان یافت و تبیین و تشریح آن در مکاتیب حضرت عبدالبهاء چون رساله مدنیّه، لوح هفت

شمع وحدت و برخی از خطابات مبارکه در اروپا و امریکا آمده است و هم چنین در توقیعات حضرت ولیّ امرالله که مجموع آنها به نام نظم جهانی حضرت بهاءالله تسمیه شده است. و باز از شگفتی هاست که حضرت بهاءالله، هم در لوح ملکه ویکتوریا و هم در لوح خطاب به مانکچی صاحب، یادآور شده‌اند که: «گیتی را دردهای بیکران فرا گرفته و او را بر بستر ناکامی انداخته، مردمانی که از باده خودبینی سرمست شده‌اند (اشاره به برخی از سیاستمداران) پزشک دانا (یعنی طیب الهی، مظهر امر) را از او باز داشته‌اند، این است که خود و همهٔ مردمان را گرفتار نموده‌اند.»<sup>۵</sup> اشارهٔ آن حضرت به آلام و اسقام جهان است که سیاستمداران دعوی مداوای آنها را داشته و دارند ولی عملاً از عهدهٔ آن بر نمی‌آیند.

#### مبحث اول: تعریف نظم و نظم نوین از دید بهائی

از جمله معانی هفتگانهٔ کلمهٔ نظم در زبان فارسی، ترتیب صحیح یا حسن ترتیب است و در مواردی حضرت بهاءالله همین معنی را به کار برده‌اند. مثلاً در کلمات فردوسی می‌فرمایند: «دین سبب بزرگ است از برای نظم جهان و اطمینان من فی الامکان». اما به نظر می‌رسد که در کتاب اقدس در عبارت «قد اضطرب النظم من هذا النظم اعظم» برای نخستین بار در زبان فارسی معنای دیگری مورد توجه آن حضرت است که تقریباً همان معنی است که امروزه در علوم سیاسی اراده می‌کنند، یعنی سیستم خاص اجتماعی یا سیاسی و یا اصول حاکم بر روابط بین دولت‌ها. در آثار بهائی، خصوصاً توقیعات مبین منصوص حضرت ولیّ امرالله، نظم هم به معنی سیستم اداری بهائی است و هم به معنی نظم عمومی عالم، چنانچه در آغاز توقیع «شکفته شدن مدنیت جهانی» می‌فرمایند:

«نظم جهانی بدیعی که در ضمیر حضرت بهاءالله تصویر و تکوین یافته و کیفیات مخصوصه‌اش را مهندس کاملش حضرت عبدالبهاء به قلم مبارک رقم زده، اکنون رو به ارتفاع است... هم در داخل جامعهٔ بهائی و هم در خارج آن، قرائن و علائمی روز افزون موجود است که به نحوی شگفت‌انگیز بشارت می‌دهند که زمان تولد نظم جهانی فرا رسیده است. نظمی که خود طلایهٔ عصر زرین بهائی است.»<sup>۶</sup>

و چند سطر بعد، این عبارت از حضرت بهاء‌الله را نقل می‌کنند که فرموده‌اند: «زود است بساط عالم جمع شود و بساط دیگر گسترده گردد» که به اقوی احتمال از بساط دیگر مراد نظم عمومی جهانی است که حضرت بهاء‌الله پیشنهاد فرموده‌اند و نظم اداری بهائی مقدمه، الگو یا محور آن است و اهمیت این دو نظم به اندازه‌ای است که حضرت اعلیٰ آن را در کتاب بیان بشارت داده و فرموده‌اند: «طوبی لمن ینظر الی نظم بهاء‌الله و یشکر ربّه» یعنی خوشا به حال هر کس که به نظم بهاء‌الله می‌نگرد و خدا را سپاس می‌گوید و خود حضرت بهاء‌الله در آثار مبارکشان، مؤدّه ولادت نظمی نوین را با این عبارات شاعرانه داده‌اند:

«حال ارض حامله مشهود. زود است که اثمار منیعه و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعمای جنیه مشاهده شود (یعنی میوه‌های بلند مرتبه و درختان بلند و گل‌های دوست داشتنی و نعمت‌های رسیده و تازه) تعالت نسمة قمیص ربک السبحان، قد مرّت و احیت. طوبی للعارفين.»<sup>۷</sup>

تشبیه نظم الهی به پیرهنی که عطر رحمن را در خود دارد بی سابقه نیست، چنان که در لوح به یاران پارسی فرموده‌اند: «کیش یزدان جامه اوست (مراد جامه گیتی)، هر گاه کهنه شود به جامه تازه او را بیاراید. هر گاهی را روش جداگانه سزاوار، همیشه کیش یزدانی به آنچه شایسته آن روز است هویدا و آشکار.»<sup>۸</sup>

حضرت بهاء‌الله نظم را فقط در معنای محدودش، یعنی اصول سازمان دهی به روابط بین دول و ملل به کار نبرده‌اند، بلکه نظم بهائی در منظر آن حضرت جلوه‌گاه مجموعه مدنیّت حضرت بهاء‌الله است - یا به زبان دیگر - زمینه ساز آن است، چنان که نظم اداری زمینه ساز نظم جهانی است.

گفتیم که در علوم سیاسی، نظم بین‌المللی به معنای مجموع اصول سازمانی است که بر روابط بین دول و ملل حاکم است یا باید حاکم باشد، ولی هستند مؤلفانی که کلمه نظم را به معنای وسیع‌تر، یعنی تقریباً نظام تمدنی به کار برده‌اند. چنان که در کتاب کنکاش‌هایی درباره نظم جهانی (*Approaches to World Order*) از رابرت کوکس (Robert W. Cox)، (نشر سال ۱۹۹۶) از اندیشه‌های کسانی چون اوسوالد اسپنگلر (Oswald Spengler) مؤلف *انحطاط تمدن غرب* و آرنولد توینبی (Arnold Toynbee) صاحب کتاب *مفصل مقایسه تمدن‌ها و حتی از افکار ابن خلدون در مقدمه معروفش که بحثی از علل و عوامل دگرگونی تمدن‌هاست*، یاد کرده و

بالاخره باید اشاره به نویسندگانی کرد که دو مفهوم نظم و عدالت را در معنایی محدودتر در برابر هم نهاده‌اند، مثل کتاب روزماری فوت (Rosemary Foot) و همکارانش که مؤلفان نظم و عدالت در روابط بین‌المللی (Order and Justice in International Relation, 2003) از نشریات دانشگاه آکسفورد هستند و روابط این دو مفهوم را در مؤسّسات مختلف سازمان‌های ملل متحد و در اندیشه‌های سیاسی روس‌ها و چینی‌ها و مسلمانان و در مؤسّسات مالی بین‌المللی و اتحاد اروپا مورد تفحص قرار داده‌اند و در عین تصدیق همبستگی آن دو، بر تنش‌ها و کشمکش‌ها که در بین آن دیده می‌شود، انگشت گذارده‌اند، در حالی که آثار بهائی بر تلفیق نظم و عدالت تأکید می‌کند.

#### مبحث دوم: نظم جهانی موضوعی است که در ادیان گذشته سابقه ندارد

تأکید ادیان گذشته - چنان که می‌دانید - بیشتر بر الهیات، امور روحانی و تکالیف شرعی بوده و به ندرت به مباحث اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند. این از خصوصیات آئین بهائی است که به نظم انفسی یا اخلاقی اکتفا نکرده و به نظم آفاقی یعنی تنظیم امور عالم هم توجه نموده است. در طی جشن‌های دوپستمن سالگرد ولادت حضرت بهاءالله ملاحظه فرموده‌اید که بسیاری از رجال و شخصیت‌های عالم، اصل وحدت عالم انسانی را در تعالیم آن حضرت به طور خاص مورد ستایش قرار داده‌اند و در این مورد این بیان مبارک حضرت ولیّ امرالله در توفیعات نظم جهانی را به یاد باید آورد که در آن فرموده‌اند:

«اگر به دیده امانت و وفا بنگریم به یقین ملاحظه می‌کنیم، امر حضرت بهاءالله که مقصد اقصایش (یعنی هدف دور رسش) اتحاد صوری و معنوی اقوام و ملل عالم است، آغاز دوران بلوغ نوع بشر محسوب می‌گردد. آئین بهائی را نباید فقط ظهوری دیگر از ظهوراتی دانست که مقصدشان احیاء روحانی در سرنوشت دائم‌التغییر بشر بوده است. نباید آن را فقط دینی دیگر در سلسله تکاملی ادیان شمرد و نباید آن را حتی به منزله اوج و ذروه ادوار نبوت انگاشت، بلکه آئین بهائی را باید مظهر آخرین و عالی‌ترین مرحله تکامل عظیم حیات اجتماعی بشری در کره زمین به شمار آورد.»<sup>۹</sup>

به عبارت روشن‌تر، این آیین وسیله تحقق وحدت عالم انسانی است و این وحدت که با پیدایش یک جامعه جهانی و استقرار یک حکومت بین‌المللی و برقراری فرهنگ و مدنیت جهانی مقرون خواهد بود، عالی‌ترین درجه اعتلاء اجتماعی نوع انسان است که به فرموده حضرت عبدالبهاء نشانه وصول بشریت به بلوغ خویش است. روشن است که در ادوار گذشته نیل به بلوغ عالم بشر، یعنی ظهور کمال عقلانیت، مقدور نبود و ادیان گذشته تنها نمودار دوره صباوت یا کودکی عالم انسانی بودند، اما شرائط زمان امروزه اجازه می‌دهد که بشریت گام‌هایی فراتر نهد و به مدارجی والاتر دست یابد که همان آستانه یکدلی و یگانگی همه مردم گیتی از همه اقوام و نژادها و عقائد است.

با این توضیح می‌توانیم دریافت که چرا حضرت بهاء‌الله از نظم مورد نظر خود به عنوان نظم بدیع، یعنی نوین و نو ظهور که چشم خلقت مانند آن را ندیده، یاد کرده‌اند. چون باید تصدیق کرد که تشکیل یک جامعه متحد فدرال جهانی که در واقع نقطه یا قطب مقابل انظمه ملیت باور کنونی باشد، انظمه‌ای که تمایل آنها به نابرابرنگاری و جداسازی مردم عالم از یکدیگر است، کاری آسان نیست. چنانچه خود حضرت بهاء‌الله در لوح دنیا یادآور شده‌اند که در گذشته گفته می‌شد، حبّ الوطن من الایمان، ولی آن حضرت در این ظهور دستورشان این است که: "لیس الفخر لمن یحبّ الوطن بل لمن یحبّ العالم"، یعنی افتخار برای کسی نیست که وطن خود را دوست دارد، بلکه برای کسی است که دوستدار عالم است. و اضافه فرموده‌اند که: «به این کلمات عالیات، طیور افنده را پرواز جدید آموخت و تحدید و تقیید را از کتاب محو نمود.»<sup>۱۰</sup>

در کلمات فردوسیه مقام عالم صوری را هم به این کلمات تقلیل داده‌اند: «این یک شیر عالم، یک وطن و یک مقام است. از افتخار که سبب اختلاف است بگذرید و به آنچه علت اتفاق است توجه نمائید.»<sup>۱۱</sup>

و بالاخره در مورد اهمیت حیاتی اتحاد و اتفاق فرموده‌اند (لوح طرازات): «اتحاد و اتفاق سبب نظام عالم و حیات امم است.»<sup>۱۲</sup>

### مبحث سوّم: نظم بین‌المللی و نظم نوین از دیدگاه علمای سیاست

فیلیپ مورو دِفارژِه (Philippe Moreau Defarges) متخصص روابط بین‌المللی و مؤلف کتاب *نظم جهانی* می‌گوید: نظم مجموعه‌ای است از اصول و مقررات و قواعد و تجارب بیش و کم متجانس و بیش و کم ثابت که حاکم بر روابط بین‌جامعه‌ها و دولت‌ها است. هر چند که از جهت ژئوپلیتیک، دنیا هنوز شاهد یک نظم جهانی نبوده است و گسترده‌ترین حکومت‌ها چون امپراطوری روم یا امپراطوری ایران در زمان کورش کبیر همه قارات عالم را در بر نمی‌گرفته، ولی از بعضی جهات مثلاً انتشار برخی جنبه‌ها و جلوه‌های تمدن در سراسر جهان می‌توان به طور نسبی ذکر نظم جهانی را کرد. پس باید متذکر بود که نظم جهانی، یعنی همه فراگیر، فقط تاکنون رؤیای بیرون از دسترس بعضی گروه‌ها بوده، چون مندیلیست‌ها (Mondialist) و یا معتقدان به جهان وطنی، یا مدافعان فدرالیسم جهانی، اما بی‌تردید از ربع قرن اخیر که دنیا در مسیر جهانی شدن امور یعنی (Globalization) پیشرفت نمایان کرده، اندیشه نظم جهانی باز زنده شده است، چنان که محقق فرانسوی پیر‌گریر Pier Gerber عنوان کتاب خود را *رؤیای یک نظم جهانی از مجمع اتفاق ملل تا سازمان ملل متحد* نهاده است. (نشر سال ۱۹۹۶)

با فرض این که سازمان ملل متحد را به منزله الگوی اولیه یک حکومت جهانی بدانیم، نکته‌ای که در این کتاب در مورد ارزش ابتکار وودرو ویلسون بازگفتنی است، این است که قبل از ایجاد مجمع اتفاق ملل که ویلسون در مواد چهارده گانه پیشنهادی خود مطرح کرد، حلّ و فصل مسائل و اختلافات بین دول فقط از طریق عهدنامه‌های صلح و آشتی امکان پذیر بود و بعد از قرن‌ها که نظم‌های امپراطوری، نظم از طریق اعمال قدرت یا هژمونی (hégémonie)، سیاست تعادل میان قدرت‌ها و تشکیل اتحادیه‌های دول به همین منظور در اروپا به صورت موقت رائج بود، ویلسون با تأسیس مجمع اتفاق ملل، به روابط بین دولت‌ها نظم و انضباط و نیز ثباتی بخشید که قبل از آن وجود نداشت. گریر نمی‌داند و نمی‌گوید، ولی اهل بهاء می‌دانند - همان طور که در کتاب *God Passes By* آمده - فکر تشکیل مجمع اتفاق ملل را ویلسون از نطق‌های حضرت عبدالبهاء در امریکا و اروپا، اتخاذ و اقتباس کرد و دو سال بعد از پایان جنگ بین‌المللی اول در عمل آورد.



اصطلاح "نظم نوین جهانی" را ظاهراً نخستین بار در محافل سیاسی ژرژ بوش (George Bush) (پدر) عنوان کرد و گفت که بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی و پیروزی دموکراسی سیاسی و غلبه اقتصاد لیبرال، دوره جنگ سرد و مقابله شرق و غرب دیگر به کلی پایان یافته و دنیا وارد دوره‌ای شده که در آن آزادی و حقوق بشر مربوط به هر ملتی باشد، مورد احترام عموم قرار خواهد گرفت و دموکراسی و آزادی مبادلات حاکم خواهد بود و ملت‌ها من بعد حق تعیین سرنوشت خود را بدون محدودیت خواهند داشت و مرزهای ممالک از این پس از هر تجاوزی مصون خواهد شد و قدرت‌های بزرگ جهان خواهند توانست بجای جنگ‌جوئی، رسم سازش و هماهنگی را در پیش گیرند. ولی می‌دانیم که این رؤیای نظم نوین، بزودی با حمله عراق به کویت آشفته شد و بعد تجزیه یوگسلاوی در دسامبر ۱۹۹۱ روی داد و سرانجام با حمله تروریست‌های مسلمان به مرکز تجارت جهانی در نیویورک در سپتامبر ۲۰۰۱، دوران پیگیری نظم نوین جهانی به انتها رسید و هر چند اینجا و آنجا قدم‌هایی در راه اتحاد، مثلاً بین ممالک اروپائی در چارچوب (European Union) برداشته شد، اما دیگر نمی‌توان سخن از استقرار یک نظم جهان شمول گفت و اگر هم در بعضی زمینه‌ها چون بهداشت و درمان و مخابرات و مانند آن توافق‌های عمومی حاصل شده، اما در زمینه‌های سیاسی و نظامی، اختلاف نظر و تفاوت راه و روش باقی مانده است و حتی در قالب همان اتحاد اروپا نیز تفاوت عقیده و عمل از جمله در عرصه قبول پول واحد و سیاست بودجه‌بندی و قضایائی چون مهاجری‌پذیری، شدید و عمیق است.

#### مبحث چهارم: نقد امر بهائی از انظمه موجود عالم

آثار مبارکه بهائی، من جمله الواح به ملوک و سلاطین، حاوی نقدی صریح از شیوه فکر و عمل زمامداران جهان است. نمونه‌هایی از انتقاد جمال مبارک حضرت بهاء‌الله از انظمه موجود را فی‌المثل در سوره‌الملوک می‌توان یافت که ضمن آن خطاب به سلطان عبدالعزیز عثمانی می‌فرماید (ترجمه مضمون): "مبادا وکلاء یعنی وزراء خود را آباد و رعیت را ویران کنی، از ناله فقرا و نیک‌مردان در سحرها بترس و برای آنها پادشاهی مهربان باش زیرا آن مردم گنج تو هستند و شایسته تو آن است که گنجینه خود را از این دزدان حفظ کنی"، عبارتی که به طور ضمنی انتقادی از کارکرد وزرای آن کشور است. اعتراضات و انتقادات عمده حضرت بهاء‌الله که هم در

سوره ملوک و هم در الواح سلاطین انعکاس یافته، خیلی بیش از اینهاست. از جمله انتقاد از جنگجویی سلاطین و مسابقه تسلیحاتی است و شکایت از بی‌توجهی آنها، نه فقط نسبت به فقراء، بلکه هم چنین در مورد مهاجرین و پناهندگان و تجاوز از قوانین الهی و ظلم بر مردم و حاوی توصیه‌های هیکل مبارک درباره لزوم برقراری صلح و اجرای عدالت است.

نقد از شیوه اداره امور در ایران در رساله مدنیه حضرت عبدالبهاء مفصل است، از جمله امتناع اولیای این ممالک از تجدّد و عدم اقتباس عناصر خوب از تمدن غرب و نیز تعصب و حمیت جاهلی، بی‌توجهی به عقل و عدل، احتراز از اصلاحات ضروری در امور مملکتی و ناآگاهی از آن که اصلاحات در این امور تعارض و تضادی با شریعت ندارد و بی‌اعتنائی به شرائط اصلی ترقی، من جمله توسعه دایره معارف، که ورود ما در تفصیل آنها مقتضی وقت بیشتر است. در آثار حضرت ولی امرالله، برای مثال توفیق قد ظهر یوم المیعاد که در همان آغاز جنگ جهانی دوم صادر شد (۱۹۴۱) آن حضرت به سه نظم استبدادی حاکم در آن زمان، یعنی فاشیسم یا نازیسم، کمونیسم و بالاخره ملیت پرستی افراطی اشاره می‌کنند و آنها را مورد انتقاد سخت قرار می‌دهند و حتی در حالی که آن سه ایدئولوژی از کمال قدرت و غلبه برخوردار بودند به آنها عنوان "خدایان کاذب سه گانه" می‌دهند و هر سه را محکوم می‌کنند و دیدیم که فاشیسم و نازیسم، به عنوان مکتب نژادپرستی، در پایان جنگ دوم معدوم شد و کمونیسم که حالت جهانی گرفته بود، بالاخره در سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۱ از اقتدار دیرینه افتاد و اضافه کنیم که حضرت عبدالبهاء نیز در رساله مدنیه که به سال ۱۸۷۵ میلادی به دستور حضرت بهاءالله مرقوم فرمودند، ملیت پرستی را به طور ضمنی نکوهیده شمردند و از مسابقه تسلیحاتی بین دول و تحمیل هزینه سنگین آن بر توده مردم انتقاد کردند و دعوت جمال مبارک حضرت بهاءالله از رهبران جهان را برای استقرار صلح عمومی و امنیّت تضامنی یادآور شدند و اقتباس و اتخاذ عناصر مفید از فرهنگ‌های بیگانه را - چنان که در ژاپون در عهد میجی (Meiji) روی داد - پسندیده و موجه دانستند و این مطلب اخیر برای کشور ایران و ممالک اسلامی که در آنها علماء شرع سخت به مخالفت و ممانعت از مدرنیزاسیون و بهره‌گیری از تمدن غرب برخاسته بودند، مسلماً حائز اهمیت مخصوص بوده و هست.

### مبحث پنجم: نویدهای فرح بخش امر مبارک دربارهٔ نظم آیندهٔ جهان

حضرت عبدالبهاء در مکتوبی خطاب به یک بانوی اسکاتلندی که به لوح هفت شمع وحدت معروف شده در سال ۱۹۰۶ فرموده‌اند:

«در دوره‌های سابق هر چند ائتلاف [یعنی اتحاد] حاصل گشت، ولی بکلی ائتلاف من علی الارض غیر قابل [وصول] بود زیرا، وسائل و وسائط اتحاد مفقود و در میان قطعات خمسۀ عالم، ارتباط و اتصال معدوم... اما حال وسائل اتصال بسیار و فی الحقیقه قطعات خمسۀ عالم، حکم یک قطعه یافته.»<sup>۱۳</sup> لذا نتیجه می‌گیرند که از این پس متدرجاً شمع‌های وحدت در عالم افروخته خواهد شد که شامل وحدت سیاسی، وحدت آراء در امور عظیمه، وحدت آزادی (یعنی بهره‌مندی همگان از اصول آزادی بشر)، وحدت دینی، وحدت وطن، وحدت جنس یعنی وحدت یا برابری نژادی و بالاخره وحدت خط و زبان خواهد بود. از آثار دیگر حضرت عبدالبهاء بر می‌آید که به دو نوع دیگر وحدت هم اهمیت داده‌اند و خواستار تحقق آنها نیز شده‌اند. یکی وحدت اقتصادی به معنای توزیع عادلانهٔ ثروت و دیگری وحدت محیط زیست یا اکولوژی به معنی تصدیق همبستگی طبیعت در سراسر جهان.

ناگفته نماند که حضرت بهاء‌الله در لوح خطاب به ملکهٔ ویکتوریا یک نوع دیگر وحدت را که حکومت جهانی باشد و احتمالاً همان وحدت وطنی و وحدت سیاسی است، ضروری دانسته‌اند و می‌فرمایند:

«الذی جعله الله الدریاق الاعظم و السبب الاتم لصحته (یعنی صحت عالم) هو اتحاد من علی الارض علی امر واحد و شریعة واحدة.»<sup>۱۴</sup> که به تفسیر حضرت ولیّ امرالله در توفیق نظم جهانی به مفهوم ایجاد یک حکومت اعلائی جهانی است. حضرت ولیّ امرالله یادآور می‌شوند که وحدت عالم انسانی را تنها نباید اعلام اخوت بشری و خیرخواهی بین مردم شمرد، بلکه: «اصل وحدت عالم انسانی خواهان تجدید بنیان جامعه است.»

خود آن حضرت تصویر روشنی از یک جامعهٔ فدرال جهانی که در آن تمام ملل و نژادها و ادیان و طبقات دقیقاً و برای همیشه متحد خواهند شد، در عین آن که استقلال دول عضو و آزادی و ابتکار مردمش کاملاً و قطعاً محفوظ خواهد ماند، در آخر توفیق شکفته شدن مدنیت جهانی (۱۹۳۶) مرحمت فرموده‌اند.

باید یادآور شد که در گذشته نادر بودند متفکرانی از جمله مندیلیست‌ها یعنی طرفداران جهان واحد که خواستار تشکیل یک فدراسیون جهانی بودند، ولی در عصر ما فراوانند آنها که درمان گرفتاری‌های عظیم کنونی را در تأسیس حکومت جهانی می‌دانند، چون ادگار مورن (Edgar Morin) جامعه‌شناس مؤلف کتاب *راه*، ژاک آتالی (Jacques Attali) اقتصاددان مؤلف چه کسی فردا بر دنیا حکومت خواهد کرد و جیمز یونکر (James Yunker) مورخ مؤلف کتاب جهانی شدن سیاسی و یا دیدی تازه از حکومت فدرال جهانی (نشر سال ۲۰۰۷)، که هر کدام از این دانشمندان به دلایل و ملاحظات خاصی خواستار چنین تأسیسی شده‌اند. و کسانی چون بلز لمپن (Blaise Lampen) مؤلف کتاب *بی‌نظمی نوین جهانی* (سال ۲۰۱۷)، خواهان آن هستند که بشر هر چه زودتر راز و رمز زندگی هماهنگ با همهٔ هم‌نوعان خود در یک جامعهٔ جهان شمول را فراگیرد و به کار برد.

در اعلامیهٔ پیشنهادی که جامعهٔ بین‌المللی بهائی در فوریه سال ۱۹۴۷، یعنی یک سال قبل از صدور منشور معروف حقوق بشر با تصویب حضرت ولی امرالله در زمینهٔ حقوق و تکالیف بشری، نخستین اجلاسیهٔ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ارائه کرده‌اند، این نکتهٔ مهم را متذکر شده‌اند که دولت و حکومت ملی به عنوان یک ساخت اجتماعی به خود متکی، اکنون به حد نهائی رشد و توسعهٔ خود رسیده و در نتیجه چنین دولتی به عنوان هدف و مقصد غائی خویش به نفی وحدت عالم انسانی پرداخته و منشأ اختلال و بی‌نظمی که مخالف منافع حقیقی مردم است گردیده، در حالی که جامعهٔ بشری در مرحلهٔ تحوُّلی است که ایجاد نظم نوینی را ایجاب می‌کند که بر پایهٔ جامعیت روابط انسانی باشد... هر عصری رسالت خاص خود را دارد و تشکیل یک نظم جهانی، یعنی نظمی متکی بر وحدت عالم انسانی، وظیفه‌ای است که امروزه بر عهدهٔ بشریت نهاده شده، نظم جهانی که اینک از نظر قانونی ممکن‌الحصول و از نظر اجتماعی لازم و ضروری و از نظر الهی در کمال وجوب است. (ترجمهٔ غیر مصوب)

در لغت نامهٔ جدید علم سیاست (۲۰۱۷) به زبان فرانسه در تعریف (Mondialism) یا جهان وطنی چنین آمده است: مندیلیسم عبارت است از جریان فکری عالم‌نگر که مایل است همبستگی جماعات سکنهٔ کرهٔ ارض را نشان دهد و از این طریق بتواند تمام نوع بشر را به صورت یک واحد سیاسی مشکل سازد. مدافعان مندیلیسم در نظر دارند که نهادها و قوانین فوق ملی را به

صورت یک نظام فدرالی مشترک میان همه انسان‌ها برقرار کنند، در عین احترام به تنوعات فرهنگی و قومی. به گفته این لغت نامه، مندیلیسم فکر تازه‌ای نیست، زیرا چنین دیدی در روابط بین‌المللی از قرن هیجده با فراماسون‌ها به وجود آمد که مدافع اندیشه نزدیک کردن به یکدیگر بودند. اما در طول قرن نوزدهم اندیشه مندیلیسم‌ها به طرف جستجوی صلح بین‌المللی رفت.

ذکر این مطلب در حاشیه این بحث مفید است که از جمله کتب مربوط به مندیلیسم یا نهضت جهان وطنی کتاب لوئی پریلیه (Louis Perillier) و ژاک لوتور (Jacques Le Tur) است (نشر سال ۱۹۷۷) که شاید امروز نایاب باشد. در آن کتاب جنبش‌های متعددی به عنوان مدافعان موندیلیسم معرفی شده‌اند مانند طرفداران شهروندی جهانی، نهضت‌های فدرالیسم جهانی، هواداران زبان بین‌المللی اسپرانتو، اعضای جنبش جهانی مسئولیت علمی و هم چنین کسانی که معتقدند به لزوم تجدید نظر در قانون اساسی سازمان ملل هستند به نحوی که هم دموکراتیک و هم جهان‌گرای باشد. گفتنی است که این کتاب ذکر بالنسبه مفصلی از جامعه بین‌المللی بهائی کرده و شرحی از خدمات و فعالیت‌هایش در مسیر صلح و وحدت جهانی ارائه کرده که اشاره سریع به آنها خارج از فایده نیست.

در کتاب مندیلیسم ضمن بحث از حرکت عالم به سوی یک فدرالیسم جهانی، مؤلفان در دو صفحه به حروف ریز از دیانت بهائی یاد می‌کنند به این عبارات: «در فهرست سازمان‌های جهان‌نگر و جهان دوست، بهائیان را باید جداگانه یاد کرد، زیرا امر بهائی کمتر از یک نهضت به معنای متعارف است و بیشتر دینی با میلیون‌ها پیروان است. جامعه بین‌المللی بهائی در سال ۱۹۴۸ به عنوان یک سازمان غیر دولتی توسط سازمان ملل متحد شناخته شده و دارای پایگاه مشورتی نزد بعضی سازمان‌های ملل متحد است... بهائیان معتقدند که باید رشد تدریجی یک نظم جهانی به عنوان یک فرایند در طول زمان حاصل شود. هدف غائی آیین بهائی وحدت عالم انسانی است و مراد از وحدت مشابهت و همسانی نیست چه تحقیق و تحرّی مستقل حقیقت به همگان توصیه شده است. بهائیان کلام بهاءالله را به عنوان قسمتی از میراث مشترک بشریت می‌پذیرند و آزادانه مورد تأمل و بررسی قرار می‌دهند و در عین حال به روی سایر مکاتب فکری و علمی گشوده هستند. از انتخاب میان سرمایه‌داری و سوسیالیسم معذورند، ولی از الغاء نابرابری‌های فاحش و افراطی در فقر و ثروت طرفداری می‌کنند. بهائیان همه با هم متساوی‌الحقوق هستند و کسی در میان آنها به

عنوان روحانی امتیاز ندارد و اداره امور آنها در سطح محلی، ملی و بین‌المللی توسط نهادهای منتخب صورت می‌پذیرد... الخ.»

### مبحث ششم: تحقق نظم مورد نظر امر بهائی حتمی و قطعی است

حضرت ولی امرالله در توفیعات مبارکه خود از جمله توفیق هدف نظم بدیع جهانی (۲۸) نوامبر ۱۹۳۱) به صراحت فرموده‌اند که: «وصول به وحدت عالم انسانی نه فقط امری است ضروری و لازم، بلکه حتمی و یقین الوصول و قریب الوقوع است و هیچ قوه‌ای جز قوه الهیه نمی‌تواند تحقق چنان مقصد اعلائی را میسر سازد.»<sup>۱۵</sup> این که تنها قوه الهی است که وصول و حصول چنان هدف والائی را میسر می‌کند، در مورد آن باید به این بیان حضرت ولی امرالله در توفیق «شکفته شدن مدنیّت جهانی» مراجعه کرد که در آن فرموده‌اند، برای اتحاد ملل عشق و محبتی درونی لازم است. و بعد در توفیق مذکور مثل جامعه بهائی را می‌زنند که در حقیقت نمونه و الگویی برای جامعه جهان دوست فردا است و می‌فرمایند:

«آین حضرت بهاءالله به برکت قوای خلاقه و نظم آفرین و اصیل و شریفش قادر شد که نژادها و ملل و مرام‌ها و طبقات مختلفی را که در سایه‌اش پناه گرفته و به امرش تمسک جستند، در آغوش باز خویش بپذیرد و قلوبشان را تقلیب نماید و پرده تعصباتشان را بسوزاند... و مفاهیمشان را بالا برد و نیات و مقاصدشان را والا کند و مجهوداتشان را هماهنگ سازد... و توانست که با حفظ وطن پرستی و وفاداری به تعهدات ثانویه‌شان، آنان را دوستداران بشر و حامیان سرسخت مصالح عالم انسانی سازد.»<sup>۱۶</sup> و اضافه می‌فرمایند که:

«این عشق و محبت جامع و فائقی را که پیروان آیین بهائی به هم‌نوع خویش از هر نژاد و دین و طبقه و ملتی دارند هرگز نباید مرموز و تصنعی تلقی کرد، زیرا آن عشق، عشقی حقیقی است... هر کس دلش با آتش عشق الهی افروخته شد، خلق را به خاطر خدا دوست می‌دارد و در آینه صورت هر انسانی نور خدا می‌بیند.»<sup>۱۷</sup>

مایلم چهار نکته را درباره این که باید به این پیش‌بینی نظم آینده جهان با امید و اطمینان نگریست، به عرضتان برسانم:

اول- تجربه خود جامعه بین‌المللی بهائی است که نوعی نمونه از یک نظام فدرال جهانی را عرضه می‌دارد و تفاوت نژادها و قومیت و فرهنگ مانع از همدلی و همکاری و همگامی بهائیان نشده و نمی‌شود. تنها دینی است که تجزیه نشده و بعد از جهان مسیحی، گسترده‌ترین جامعه مذهبی را حتی مقدم بر اسلام و آئین هندوی ارائه می‌کند.

دوم- تجربه اتحاد اروپا مرکب از ۲۷ یا ۲۸ کشور شاهد دیگری بر امکان اتحاد عمومی است، چه آن نظام همکاری - علی‌رغم شیب و فراز بسیار - تا کنون دوام داشته و از عوامل اصلی برای حفظ صلح و بهبود اقتصاد منطقه مهمی از جهان، یعنی قاره اروپا بوده و هست.

سوم- از جمله یافته‌های جوان شیریکو (Joanne Chirico) محقق آمریکائی در کتاب جهانی شدن دورنماها و مسائل (۲۰۱۴)، این است که مردم دنیا مسلماً از بسیار جهات بیش از پیش به همبسته و پیوسته شده‌اند، به طوری که عموماً احساس می‌کنند که همه در مکان واحدی هستند و به وجود دنیا به عنوان یک کلّ مشترک هشیارند که در آن همه آحاد انسانی به نحوی با هم مرتبطند. البته معنی این جملات این نیست که هم اکنون همه کره ارض یک شهر و یک ملت شده باشند، اما لاقلاً این امید را می‌توان داشت که اگر در جهت جهان وطنی اهتمامی شود و تربیت مناسب شهروندی جهانی به همگان داده شود، احتمال غلبه آنچه محققان امپاتی (Empathy) یعنی همدلی و همدردی می‌خوانند، بر تعصبات ملی‌گرائی و جدائی‌خواه بسیار است.

حرف امپاتی به میان آمد. یکی از کشفیات تازه در روان‌شناسی و بیولوژی انسان این است که همچنان که جرمی ریفکین (Jeremy Rifkin) در کتاب خود *The Empathic Civilization* (نشر سال ۲۰۱۱) نوشته، تحقیقات تازه درباره طبیعت انسان در علوم حیاتی و ادراکی و مطالعات پژوهشگران درباره مغز و نورون‌ها، گویای این است که باید در عقیده گذشتگان تردید و تأمل کنیم که انسان را موجودی طبعاً خودخواه و سودجوی و مادی و پرخاشگر دانسته‌اند، زیرا انسان وجودی است عمیقاً امپاتیک یعنی دارای حس همدردی و شفقت نسبت به هم‌نوعان و مسلماً تربیت صحیح می‌تواند این خصوصیت را در انسان تقویت کند. محققان دیگری چون ماتیو ریکارد (Matthieu Ricard) مؤلف کتاب بسوی یک جامعه دیگر دوست و نیز تانیا سینگر (Tania

(Singer) پژوهشگر نوروها و مکانیسم‌های مغز، تصدیق کرده‌اند که وجود میل ذاتی "دیگر دوستی" در انسان امری محرز است.

از دیگر محققان معروف که پایگاه نورونی رحم و شفقت را در وجود انسان باز یافته و تصدیق کرده‌اند، پروفیسور ریچارد دیویدسون (Richard Davidson) متولد سال ۱۹۵۱ و مؤسس مرکز ذهن‌های سالم و مؤلف کتاب *زندگی عاطفی یا هیجانی مغز شما (Emotional Life of Your Brain)* که به سال ۲۰۱۲ نشر شده و مورد استقبال بسیار قرار گرفته. با این سوابق می‌توان گفت که اگر روش تربیت بهائی که می‌گوید: «عالم بین باشید نه خودبین» و معتقد است که «آسایش هنگامی دست دهد که هر کسی خود را نیکخواه همه روی زمین نماید» مجری گردد، بی‌گمان دیگر دوستی و همدلی و همدردی با مردم گسترشی بی‌سابقه پیدا خواهد کرد.

چهارم- آن گسترش که جامعه مدنی در همه کشورهای و قوت گرفتن آن و توسعه دموکراسی در پهنه جهان، خود از جمله عوامل امیدواری به اصلاح نظام عالم است. به قول شیریکو در حال حاضر بیش از شصت هزار سازمان غیردولتی بین‌المللی وجود دارند و هر سال اقلأ حدود ۵۰ هزار نفر از اعضای این سازمان‌ها با هم ملاقات می‌کنند و بر طبق آمارهای مؤسسه "خانه آزادی" درصد ممالکی که از دموکراسی انتخاباتی بهره‌مند هستند به حدود شصت و چهار درصد یعنی نزدیک دو ثلث ممالک جهان رسیده که خود قبول نظامی دموکراتیک، ولو در عمل مشکلاتی در پیش باشد، اطمینان بخش است.

به گفته همان شیریکو قبل از سال ۱۹۴۸ در قوانین اساسی چهل و سه درصد کشورهای عالم ذکر اصول دموکراسی به صراحت آمده بود. بعد از آن سال این نسبت به سرعت رو به افزایش نهاد چنان که در فاصله سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۵۷ به هفتاد درصد رسید و در فاصله سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۷۵ به نود و سه درصد بالغ گردید.

در اینجا یک نقل قول از ژاک آتالی فیلسوف و اقتصاددان فرانسوی به مورد است که می‌گوید: وجود یک حکومت دموکراتیک جهانی نه به دلایل ایدئولوژیک، بلکه از این نظر ضرورت دارد که چنین حکومتی بشریت را در برابر مخاطرات عظیم جهان شمول کنونی و خطرات ناشی از تحولات مهیب تکنولوژی در آینده محافظه کند و ضامن دوام و بقای انسانیت باشد.



تذکر یک نکته دیگر نیز بجاست که در حال حاضر افکار عمومی جهانی و مطبوعات و رسانه‌های جمعی، اکثراً نقاد سیاستمدارانی هستند که مانند قرن رواج ملیت پرستی، صحبت از انحصار توجه به منافع ملی کشور خویش می‌کنند و یا در صدد ایجاد موانع مصنوعی چون تحکیم مرزها و ساختن دیوارها برای جلوگیری از ورود مهاجران و پناهندگان سرگردان هستند و یا نسبت به اقلیت‌های نژادی و قومی و مذهبی که در داخل مرزهای سرزمینشان زیست می‌کنند، ملاحظات انسانی را ملحوظ نمی‌دارند که خود این عکس‌العمل منفی، گواه بیداری و هشیاری مردم، یعنی جامعه مدنی است.

بر چهار نکته‌ای که معروض افتاد، نکته دیگری را اضافه می‌کنم که از مقوله اعتقادی است و در عین حال استدلال منطقی به نفع آن می‌توان کرد و آن این که از زمان تولد حضرت بهاء‌الله و اعلام رسالتشان در نیمه دوم قرن نوزدهم، وقایع عدیده‌ای در دنیا روی داده که نشانه سیر قطعی عالم به سوی دنیای واحد متحد است و مجموع آنها را نمی‌توان فقط تصادفی و اتفاقی تلقی کرد. به قول محقق فرانسوی ژان فرانسوا بایارت (Jean Francois Bayart) مؤلف کتاب حکومت جهانی (نشر سال ۲۰۰۴) از سال‌های بعد از ۱۸۱۵ بود که معماری سیستم بین‌المللی به وجهی که تا امروز با برخی تغییرات کوچک هنوز ادامه دارد، امکان‌پذیر شد و تحولات در جهت حصول یک مدرنیته جهان شمول روی داد چه در سال ۱۸۳۰ بود که لیبرالیسم اقتصادی با گسترش بی‌سابقه تجارت بین‌المللی که تنها در فاصله سال‌های ۱۸۰۰ و ۱۸۴۰ دو برابر شد، قوت گرفت. با ساختن شبکه‌های راه آهن و به کار افتادن کشتی‌های بخاری ارتباطات بهتر و وسیع‌تری بین ممالک ممکن شد. در این قرن تلگراف اختراع شد و سیستم جهانی تلگرافی با نصب کابل‌های زیردریایی به کار افتاد. تلفن برقی در سال ۱۸۷۴ اختراع شد. حرکات جمعیت و مهاجرت‌ها وسعت بی‌سابقه یافت، به طوری که حدود ۴۴ میلیون نفوس از اروپا به امریکا مهاجرت کردند. سازمان‌های نوظهوری چون اتحاد تلگرافی بین‌المللی در سال ۱۸۶۵ و اتحاد پستی بین‌المللی در سال ۱۸۷۴ و دفتر بین‌المللی اوزان و مقیاس‌ها در سال ۱۸۷۵ و سازمان هواشناسی در سال ۱۸۷۸ و اتحاد بین‌المللی حفظ و حمایت مالکیت صنعتی در سال ۱۸۷۸ به وجود آمدند. نهضت‌های انسان دوستانه‌ای برای القاء بردگی به راه افتاد. ترجمه و توزیع وسیع کتب مقدسه برای بومیان سرزمین‌های دور دست پایه گرفت و در همین قرن بود که هانری دونان (Henry

(Dunant سوئیسی که در سال ۱۸۶۳ مؤسسه صلیب سرخ جهانی را تأسیس کرد. جنگ انفصال در قارهٔ نوخاسته آمریکا در فاصلهٔ ۱۸۶۱ و ۱۸۶۵ ارکان تعصب نژادی را متزلزل کرد. و در حدود سال‌های ۱۸۷۰ حضرت بهاءالله تعالیم اساسی خود را در مورد وحدت عالم انسانی و صلح عمومی و ترک انواع تعصبات نژادی اعلام فرمودند و بنیادی برای همبستگی و پیوستگی همهٔ ملل عالم ایجاد کردند در حالی که بیش از آن به علت نبود یا کمبود روابط و وسائل، چنین تحوّل عظیمی امکان‌پذیر نبود. زمانی که حضرت بهاءالله اعلام فرمودند که: «فی الحقیقه عالم یک وطن محسوب است و من علی الارض اهل آن»، موجبات تحقق عملی آن به وجود آمد.

در پایان سخن، گمان می‌برم که نقل عبارتی از فیلسوف فرانسوی آغاز قرن بیستم الی هالوی (Ellie Halevy)، (وفاتش در سال ۱۹۳۷) مناسب است که کلام او را نیکلا باورز (Nicola Baverez) در نتیجه‌گیری کتابش *رقص بر قلعهٔ یک آتشفشان* یاد کرده می‌گوید:

«مسئولیت معایبی را که جامعهٔ بشری از آنها رنج می‌برد، فقط به رجال حکومت و دولت منسوب نداریم. هر یک از ما در این مسئولیت سهمی دارد، چون دانائی یا جنون دولتمردان و فرمانروایان، انعکاس خردمندی یا دیوانگی خود ماست و تا زمانی که ما مردم سنگ بشریت را به سینه نزنیم و در مهر به نوع انسان تعصب نورزیم، باز اسیر بحران‌ها و جنگ‌های ناشی از ملیت پرستی بوده و خواهیم بود. و هر یک از ما است که می‌تواند به محبت پرشور نسبت به عالم بشری نیروئی بخشد که بر خشونت و نیست‌انگاری عصر حاضر غلبه کند.» (ص ۲۴۸)

سخن نهائی را باید از مولای اهل بهاء حضرت شوقی ربّانی شنید. حضرت ولیّ امرالله در توجیح هدف نظم جهانی بهائی (۲۸ نوامبر ۱۹۳۱) پس از پیش‌بینی حکومت اعلای جهانی آینده که دارای قوهٔ مجریه، پارلمان جهانی و محکمهٔ کبرای بین‌المللی خواهد بود، به تصریح می‌فرمایند که:

«بالاخره جامعه‌ای جهانی بوجود خواهد آمد که در آن، وطن پرستی کاذب و پرخاشجویی به جهان‌دوستی و نوع پرستی تبدیل خواهد شد. اینها است رئوس کلی و برجستهٔ نظامی که حضرت بهاءالله پیش‌بینی و تدبیر فرموده و اعلیٰ ثمرهٔ عصری است که به تدریج رو به بلوغ نهاده است.»<sup>۱۸</sup>

این که بهائیان وطن پرستی کاذب و پرخاشجویی را بدّل به جهان دوستی و نوع پرستی کرده‌اند، از پیام‌های متعددی که شخصیت‌های نام‌آور دنیا برای تبریک سالگرد ولادت حضرت

بهاء‌الله فرستادند، مانند رئیس جمهور و نخست وزیر هند، رئیس جمهور اسبق امریکا، نخست وزیر انگلستان، دالالی لاما و نمایندگان مجلس شور برزیل و امثال آنها، به خوبی استنباط می‌توان کرد و ما به نقل سخنان گروه اخیر در این مورد اکتفا می‌کنیم:

### نظمی نوین که مورد تصدیق سرآمدان عالم است

رئیس مجلس نمایندگان برزیل در اجلاسیه‌ای که برای بزرگداشت دویستمین سال ولادت حضرت بهاء‌الله در ۹ آذر ۱۳۹۶ (۳۰ نوامبر ۲۰۱۷) برگزار شد، بیانیه‌ای بدین مناسبت اعلام کرد که:

«بسیاری از تعالیم حضرت بهاء‌الله در سیستم حقوقی موجود هستند، از جمله برابری مردان و زنان، رفع تعصبات نژادی و جنسیتی، ترک تعصبات ناشی از طبقات اجتماعی و از این قبیل... حضرت بهاء‌الله بینشی جهان شمول را به عنوان راه حل بسیاری از مشکلات فعلی بشریت معرفی کردند... ایشان چنین بینشی را مدت‌ها قبل از تشکیل سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و بسیاری از مکانیسم‌های دیگر برای یک پارچگی جهانی ارائه دادند. در حقیقت هدف ایشان متعالی‌تر از تشکیل اتحادیه‌های سیاسی و تجاری بود، ایشان برابری تمام مذاهب و گروه‌های قومی را از طریق تقویت جنبه روحانی انسان مد نظر داشتند.»

### یادداشت‌ها

- ۱- قدیمی، ریاض، گلزار تعالیم بهائی، University of Toronto press incorporated, 1995، ص ۲۱۳.
- ۲- قدیمی، ریاض، گلزار تعالیم بهائی، ص ۲۱۲.
- ۳- قدیمی، ریاض، گلزار تعالیم بهائی، ص ۵۱.
- ۴- فوکویاما، فرانسیس، *The End of History and The Last Man*، ۱۹۹۲.
- ۵- حضرت بهاء‌الله، مجموعه الواح مبارکه، چاپ مصر، Baha'i Publishing Trust, Wilmette, Illinois، ۱۹۷۸، ص ۲۶۱.

- ۶- فتح اعظم، هوشمند، نظم جهانی بهائی، منتخباتی از آثار صادره از قلم حضرت ولی امرالله، ترجمه و اقتباس ناشر: مؤسسه معارف بهائی کانادا، چاپ: مؤسسه عصر جدید آلمان، ۲۰۰۶، ص ۱۰۹.
- ۷- همان، ص ۱۲۱.
- ۸- یاران پارسی، مجموعه الواح مبارکه جمال اقدس ابهی و حضرت عبدالبهاء به افتخار بهائیان پارسی، مؤسسه ملی مطبوعات امری، هوفهایم، آلمان، ۱۹۹۸، ص ۴۹.
- ۹- فتح اعظم، هوشمند، نظم جهانی بهائی، ص ۱۱۲.
- ۱۰- همان، ص ۱۶۳.
- ۱۱- فیضی، محمدعلی، حضرت بهاءالله، Baha'i Verlag، هوفهایم، آلمان، ص ۲۶۷.
- ۱۲- حضرت ولی امرالله، کتاب قرن بدیع، مؤسسه معارف بهائی کانادا، ۱۹۹۲، ص ۴۳۶.
- ۱۳- فتح اعظم، هوشمند، نظم جهانی بهائی، ص ۴۰.
- ۱۴- همان، ص ۴۱.
- ۱۵- همان، ص ۴۷.
- ۱۶- همان، ص ۱۶۱.
- ۱۷- همان، ص ۱۶۱-۱۶۲.
- ۱۸- همان، ص ۴۳.

### منابع و مأخذ

- ۱- فتح اعظم، هوشمند، نظم جهانی بهائی، منتخباتی از آثار صادره از قلم حضرت ولی امرالله، ترجمه و اقتباس ناشر: مؤسسه معارف بهائی کانادا، چاپ: مؤسسه عصر جدید آلمان، ۲۰۰۱، ص ۲- دهقان، غلامعلی، ارکان نظم بدیع، مؤسسه معارف بهائی کانادا، ۱۹۹۴.
- ۳- نخجوانی، علی، Towards World Order, Acuto، ۲۰۰۴.
- ۴- Shoghi Effendi – *The Promised Day Is Come*, March 1941, B.P.T, Revised 1980
- ۵- خضرائی، هوشنگ، مقدمه ای بر مطالعه نظم جهانی بهائی، انتشارات مرآت، ۲۰۰۸.
- ۶- سفیدوش، عنایت خدا، حکومت جهانی از دیدگاه بهائی، انتشارات مرآت، ۲۰۰۲.

## آثار غير بهائی

- 1- Moreau, Philippe Defarges, *L'ordre mondial*, A. Colin 2008.
- 2- Lampen, Blaise, *Le nouveau désordre mondial*, Georg Editeur 2017.
- 3- Baverez , Nicola, *danser sur un volcan*, A.Michel 2016.
- 4- Chirico, Joanne, *Globalization, Prospects and Problems*, Sage 2014.
- 5- Vaïsse , Maurice, *Les Relations Internationales Depuis 1945*, A. Colin 2017.
- 6- Perillier, Louis and Tur , Joan-Jacques L., *Le mondialisme (Que sais-je?)*, 1977
- 7- Chaliand, Gérard and Michel Jan, *Vers un nouvel ordre mondial*, 2014.
- 8- Yunker, James, *The Idea of World Government: From ancient times to the twenty-first century* (Global Institutions), 2011.